

## تحلیل تاریخی از: مشارکت سازمان همکاری اسلامی (OIC) در افغانستان با تأکید بر دوره کرزای

علی اصغر رجاء<sup>۱</sup>

### چکیده

نقش سازمان همکاری‌های اسلامی در اهم تحولات سیاسی نیم‌قرن اخیر افغانستان از ۱۳۵۰ تا آغاز ۱۳۹۳، به‌طور پراکنده در منابع مکتوب و پایگاه‌های وب گزارش شده است. (تاریخچه) این پراکنده‌گویی، تصویری روشن و شفاف از سطح کمی و همکاری‌های کیفی این دو، عرضه نمی‌کند. (مسأله) از این‌رو، می‌توان گفت: علی‌رغم نقش افغانستان در تأسیس سازمان و مشارکت در آن، هیچ اثری از همکاری این سازمان در افغانستان، قبل و بعد اشغال مشاهده نمی‌شود! (پیشینه) بنابراین، سؤال اصلی نوشتار حاضر این است: مشارکت سازمان همکاری‌های اسلامی در افغانستان قبل و بعد از اشغال چگونه بوده است؟ (سؤال) مواضع سازمان همکاری‌های اسلامی در مورد افغانستان فقط در حد صدور قطع‌نامه‌های بدون ضمانت اجرایی بوده است. در دوره کرزای، سازمان از فضای شعاری فاصله گرفت و به چند اقدام عملی دست زد. (فرضیه) نشان دادن کارآمدی سازمان به عنوان یک نهاد بین‌المللی اسلامی در تحولات، یکی از مسائل جهان اسلام (هدف) با تکیه بر تحلیل تاریخی منابع مکتوب و گزارش‌های پایگاه‌های وب، مقصودی است که این نوشتار دنبال می‌کند. (روش) این بررسی حکایت از آن دارد که پیش‌برد صلح در افغانستان، نوشتار خارج از توان نهادی است که خود نیاز به تطبیق با شرایط متغیر و نوین جهانی دارد. (یافته)

### واژگان کلیدی

همکاری‌های اسلامی، کنفرانس، افغانستان، مجاهدان، طالبان و کرزای.

۱. دانش‌پژوه دکتری تاریخ اهل بیت (ع)، جامعه المصطفی العالمیه - alikaboly2004@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۹/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۷/۲

## مقدمه

افغانستان از اعضای اولیه سازمان کنفرانس اسلامی است که در سال ۱۹۶۹ میلادی به عضویت این سازمان درآمد. (پیام آفتاب: ۱۳۱۱۲) آقای دکتر عبدالستار سیرت، استاد دانشگاه أم القری، رئیس هیأت نمایندگی افغانستان در اولین کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی در جدّه (مارس ۱۹۷۰) بود و مشارکت جدی در استقرار سازمان کنفرانس اسلامی داشت. (سایت دانشگاه أم القری: ۱۷۶۶۴۸) اما، سردار محمد داود رئیس اولین حکومت جمهوری در افغانستان از شرکت در کنفرانس سران کشورهای اسلامی منعقدّه لاهور (فوریه ۱۹۷۴) خودداری کرد؛ زیرا همان طوری که پیش‌بینی می‌شد این کنفرانس به منازعه افغانستان با پاکستان بر سر دیورند و موضوع پشتونستان اعتنایی نشان نداد.

عبدالرحمان پژواک به نمایندگی از افغانستان در این کنفرانس از مقاومت‌های مسلحانه بلوچ‌ها در ایالت بلوچستان صحبت کرد و دیدگاه‌های دولت افغانستان را در منازعه بر سر دیورند با پاکستان توضیح داد. سران و نمایندگان کشورهای اسلامی اظهارات و ادعاهای نماینده افغانستان را جدی نگرفتند و معمر قذافی رئیس‌جمهور لیبی در تماس تلفنی با رئیس‌جمهور محمد داود، جدال‌های هیأت افغانستان و پاکستان را معمولی خواند. رئیس‌جمهور لیبی از او خواست که به محل کنفرانس در لاهور بیاید تا در مورد حل منازعات لفظی طرفین توافقی صورت گیرد، اما محمد داود تقاضای قذافی را نپذیرفت. (اندیشمند: ۲۴۵) اشغال افغانستان و حاکمیت طالبان بر آن و نیز دوره پس از آن، سازمان را بیش از گذشته درگیر موضوع افغانستان کرد.

## سازمان همکاری اسلامی در دوره اشغال

در ابتدای تأسیس این سازمان، بحث‌های بسیاری در مورد میزان قدرت و توانایی دبیرخانه صورت گرفت. اغلب از دادن اختیار به دبیرخانه با ترس از رشد حاکمیت جدیدی مانند مرکزیت خلیفه‌گری در دولت عثمانی نگران بودند. این گروه خواهان سازمانی اداری با اختیارات و قدرت محدود بودند و در

مقابل افغانستان در کنار سودان و لیبی از موضع مصر حمایت و بر جنبه سیاسی دبیرخانه تأکید داشتند تا بدون دخالت در امور داخلی کشورها، فقط به عنوان یک هماهنگ کننده عمل کند. (فوزی تویسرکانی، ۱۳۷۷: ۴۳)

افغانستان به عنوان یک بحران، از زمان هجوم ارتش سرخ در سال ۱۳۵۸ به این کشور، موضوع بحث سازمان کنفرانس اسلامی قرار گرفت. جناح‌بندی درونی سازمان در این موضوع به گونه‌ای بود که ابتدا سازمان مسأله تجاوز شوروی سابق به افغانستان را با اکثریت محکوم کرد و خواستار خروج فوری و بی قید و شرط نیروهای آن کشور از خاک افغانستان و به رسمیت شناختن حکومت موقت مجاهدین افغانستان شد، به طوری که عضویت دولت کودتایی افغانستان در اجلاس یازدهم وزرای خارجه در ۱۹۸۰ میلادی در اسلام‌آباد به حالت تعلیق در آمد و در اجلاس هجدهم وزرای خارجه کشورهای عضو در ریاض (مارس ۱۹۸۸) کرسی افغانستان به مجاهدین افغان واگذار شد. (ممدوحی، ۱۳۷۵: ۲۶ و ۱۹۱ و ۱۹۸) در مقابل، لیبی و سوریه جناح تندروی در سازمان بودند که سعی می‌کردند از محکومیت شوروی جلوگیری کنند و مانع برگزاری اجلاس فوق‌العاده سران برای رسیدگی به موضوع شوند. (فوزی تویسرکانی، ۱۳۷۷: ۵۶) ضمن تحریم اجلاس مذکور، آن را عملی در جهت منافع امپریالیسم امریکا دانستند. (فوزی تویسرکانی، ۱۳۷۷: ۵۹)

اشغال افغانستان از سوی شوروی، اولاً باعث قیام سراسری شد و همه حرکات را به سمت مخالفت با قوای اشغال‌گر بسیج کرد. تمامی مردم را با محوریت اسلام جمع و هرگونه سازش با دولت مارکسیستی را نفی و مبارزه مسالمت‌آمیز را به مبارزه قهرآمیز و آشتی‌ناپذیر تبدیل نمود. در ثانی، حضور نظامی شوروی در افغانستان، موضع‌گیری‌های جهانی در برابر اتحاد جماهیر شوروی و محکومیت جامعه جهانی به ویژه سازمان ملل متحد، سازمان کنفرانس اسلامی، کشورهای غربی، سازمان‌های آزادی‌بخش جهان، گروه حقوق بشر سازمان ملل، جنبش کشورهای غیرمتعهد، اتحادیه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را به همراه داشت. (احمدی: ۱۳۷۸: ۲۰۵)

در سومین کنفرانس سران اسلامی در طائف عربستان (۱۹۸۱) مسأله افغانستان

مطرح شد و اعضا حمایت خود را از مبارزات مردم افغانستان اعلام کردند. (ممدوحی، ۱۳۷۵: ۱۴۱) در چهارمین کنفرانس سران در کازابلانکا (۱۹۸۴) و پنجمین کنفرانس سران در کویت (۱۹۸۷) هم ضمن ابراز نگرانی از ادامه مداخله نظامی شوروی در افغانستان، خواهان خروج بی‌قید و شرط نیروهای خارجی از خاک افغانستان شدند. (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۴۶ و ۱۶۱)

### سازمان همکاری اسلامی در دوره مجاهدین

در سال ۱۳۵۹ یازدهمین دور اجلاس وزیران خارجه کشورهای اسلامی در اسلام‌آباد پاکستان برگزار شد. در این اجلاس، نمایندگان گروه‌های سیاسی مجاهدان مقیم ایران و پاکستان حضور داشتند و خواستار به رسمیت شناخته شدن نهضت اسلامی افغانستان از سوی سازمان کنفرانس اسلامی و قطع رابطه کشورهای اسلامی با رژیم دست‌نشانده کمونیستی در افغانستان شدند؛ اما نمایندگان لیبی، سوریه، یمن جنوبی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین با پیشنهاد مجاهدان مخالفت نمودند.

در یازدهمین اجلاس وزرای خارجه کشورهای اسلامی، مقرر شد هیئتی مرکب از وزرای خارجه ایران، پاکستان و جیب شطی - دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی - تعیین شود تا با رژیم کابل و روس‌ها مذاکره کنند و همچنین زمینه تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی را در مورد حل مسأله افغانستان، زیر نظر سازمان ملل متحد را فراهم سازند. در قطع‌نامه یازدهمین اجلاس وزرای خارجه کشورهای اسلامی، محورهای حل همه‌جانبه بحران افغانستان به شرح زیر پیشنهاد شد:

۱. عقب‌نشینی نیروهای شوروی از خاک افغانستان؛
۲. احترام به استقلال و حاکمیت ارضی افغانستان؛
۳. احترام به حق مردم افغانستان در تعیین نوع حکومت؛
۴. ایجاد شرایط مناسب برای بازگشت مهاجران.

پیشنهادهای سازمان کنفرانس اسلامی را روس‌ها و رژیم دست‌نشانده در کابل، رد کردند و به رسمیت شناختن رژیم کمونیستی را از سوی کشورهای اسلامی، شرط قبول مذاکره با کمیته بررسی بحران افغانستان که از سوی کنفرانس

اسلامی تشکیل شده بود، اعلام کردند. (روزنامه راه نجات: ۸۶۰۳۰۲۱۰) با وجود فشارهای دیپلماتیکی در سطح جهان از قبیل کنفرانس‌ها، سمینارها، قطع‌نامه‌ها، اجلاس کشورهای بزرگ جهانی و منطقه‌ای، کنفرانس اسلامی و اجلاس شورای امنیت سازمان ملل متحد، بیش از هشتاد کشور جهان، رژیم افغانستان را به رسمیت شناخته و روابط دیپلماسی با حکومت کابل را در سطح سفرا و کاردار برقرار ساختند. (غفاری: ۱۷،۲:۲۰۰۹) هنوز یک ماه از این تجاوز نگذشته بود که در اول بهمن ۱۳۵۸ وزرای خارجه کشورهای اسلامی، اجلاس فوق‌العاده‌شان را در اسلام‌آباد پاکستان برگزار کرده و به دنبال آن، قطعنامه‌ای شدیدالحن صادر کردند که در آن، تجاوز ارتش سرخ به کشور اسلامی افغانستان را نقض آشکار قوانین بین‌المللی، منشور سازمان ملل متحد و کنفرانس اسلامی قلمداد کرده و خواهان بیرون رفتن فوری و بدون قیدوشرط نیروهای متجاوز روسی از خاک افغانستان شدند. همچنین سازمان کنفرانس اسلامی طی قطع‌نامه‌ای، بر حل همه‌جانبه بحران افغانستان از طریق تشکیل کمیسیونی مرکب از وزیران خارجه ایران، پاکستان و دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی تأکید کرد. اگرچه در این قطع‌نامه از رژیم دست‌نشانده کابل نامی به میان نیامد، لیکن دولت پاکستان به دلایل ملاحظات زیر اقدام مؤثری انجام نداد:

۱. احساس خطر جدی نسبت به مرزهای خود از ناحیه شمال افغانستان به‌وسیله ارتش سرخ شوروی؛
۲. جلب حمایت بلوک غرب و کشورهای مخالف کمونیسم؛
۳. کانالیزه کردن بحران سیاسی و نظامی افغانستان در راستای منافع ملی خویش؛
۴. تثبیت پاکستان به عنوان بازیگر اصلی مسأله افغانستان نزد روس‌ها و دولت کمونیستی افغانستان.

افزون بر این‌ها، اندیشه آینده‌نگری و ایجاد سلطه بر تمامی جریانات سیاسی و اجتماعی افغانستان، باعث شد که دولت‌مردان پاکستان به طور یک‌جانبه نسبت به مسأله افغانستان برخورد کرده و برخلاف موازین حقوق بین‌الملل، دولت دست‌نشانده کابل را به عنوان یک‌طرف رسمی در قضیه

افغانستان وارد مذاکره کنند ولی برخلاف سیاست پاکستان، آقای قطب‌زاده، وزیر امور خارجه وقت ایران با تأکید بر ماهیت اعتقادی و انقلابی نظام جمهوری اسلامی ایران، در این کنفرانس اظهار داشت:

جمهوری اسلامی ایران، معتقد است تا ارتش سرخ روسیه در افغانستان حضور دارد، دولت کمونیستی کابل نمی‌تواند به نام مردم این کشور صحبت کند و چون در حال حاضر شوروی در آن کشور، حضور دارد، به نظر می‌رسد که مذاکره باید با خود روس‌ها انجام گیرد، نه با دولت دست‌نشانده آن‌ها. (دانش بختیاری: ۱۳۸۰: ۵۸ - ۵۹)

با اینکه افغانستان از نخستین اعضای سازمان کنفرانس اسلامی است؛ اما با تجاوز تمام‌عیار روس‌ها به افغانستان و به وجود آمدن دولتی دست‌نشانده در کشور، عضویت افغانستان به عنوان کشوری اسلامی در سازمان کنفرانس اسلامی در آن شرایط، نفعی برای این کشور نداشت. در آن زمان، تنها کاری که سازمان کنفرانس اسلامی توانست انجام دهد، این بود که تجاوز روس‌ها به افغانستان را محکوم کند و خواهان کاهش روابط کشورهای اسلامی به‌خصوص عربی با شوروی شود، اما این درخواست هیچ‌گاه جنبه عملی پیدا نکرد و اعضای سازمان کنفرانس اسلامی گسترش روابط با شوروی را بهتر از روابط با افغانستان می‌پنداشتند.

در قطعنامه اجلاس هجدهم وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی (۱۹۸۸) کرسی خالی افغانستان که از سال ۱۹۷۹ میلادی، پس از تعلیق عضویت این کشور در کنفرانس خالی مانده بود، به نمایندگان مجاهدین افغان واگذار شد و دولت موقت مجاهدین از سوی بیش از ۴۵ کشور اسلامی به عنوان دولت قانونی افغانستان به رسمیت شناخته شد. در این اجلاس، هر یک از کشورهای حامی طرح مانند پاکستان و عربستان به دنبال منافع ملی، درصدد تشکیل طالبان بودند و ایران به دلیل جنگ تحمیلی بیشتر به امنیت ملی خود می‌اندیشید. (ممدوحی، ۱۳۷۵: ۱۹۸ - ۲۰۰) سیدحامد گیلانی که از سال ۱۳۵۷ به عنوان کفیل رهبری محاذ ملی اسلامی افغانستان ایفای وظیفه می‌کرد، در سال ۱۳۶۷ به عنوان رئیس گروه مجاهدین، در کنفرانس کشورهای اسلامی و

یک تعداد کنفرانس‌های داخلی و بین‌المللی شرکت نمود. (شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان: اطلاعات عمومی)

با ادامه تجاوز شوروی به افغانستان و حضور طولانی‌مدت این کشور در افغانستان که با گسترده‌تر شدن موج جهاد همراه بود، سازمان کنفرانس اسلامی هم‌چنان سست و بی‌رمق عمل می‌کرد و هر از چندگاهی حملات شوروی‌ها را محکوم می‌نمود. در هفتمین اجلاس سران در شهر دارالبیضا - مغرب (۱۹۹۴) مطابق با منشور سازمان کنفرانس اسلامی، بیانیه‌ای مبنی بر نگرانی عمیق از درگیری جناح‌های افغانی صادر شد و بر ضرورت تفاهم سیاسی میان طرف‌های درگیر و حمایت از تلاش‌های دبیر کل در ایجاد مذاکرات غیرمستقیم در اسلام‌آباد و تهران به‌منظور صلح و تفاهم ملی و هم‌چنین همکاری با سازمان ملل متحد تأکید شد. (ممدوحی، ۱۳۷۵: ۱۷۶)

در سال ۱۳۷۰ که دولت نجیب در کابل برقرار بود، در سفری به افریقا برای شرکت در سازمان کنفرانس اسلامی، هیأتی مرکب از آقای عرفانی یکاؤلنگی و پروفیسورهدی به عنوان نمایندگان حزب وحدت از احزاب شیعی افغانستان با خود به همراه برد. در این سفر، آقای مجددی هم شرکت داشت. وی موافقت کرد که قسمتی از اعضای هیأت دولت مجاهدین را شیعیان مربوط به حزب وحدت تشکیل دهند. در جلسات شش روزه کنفرانس که سه روز آن مربوط به وزرای خارجه و سه روز دیگر مربوط به روسای جمهور بود، هیأت شیعی هم شرکت داشت و ملاقاتی هم با دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی برگزار کردند. هیأت به دبیر کل در رابطه با جامعه تشیع افغانستان و سهم آن‌ها در جهاد و مبارزه و آزادی منطقه گزارش داد. (اخلاقی: ۱۳۷۳).

### سازمان همکاری اسلامی در دوره طالبان

سازمان کنفرانس اسلامی در دوره طالبان، در رابطه با افغانستان و مسائل آن، فعال عمل نکرد و اجازه داد تا افراط و تفریط‌گرایان با استفاده از نام اسلام، به قتل و کشتار مردم افغانستان بپردازند و نه تنها هیچ اهرم فشاری بر کشورهای حمایت‌کننده این گروه شورشی، وارد نساخت، بلکه برخی از کشورهای اسلامی

به حمایت از آن‌ها نیز پرداختند. (روزنامه راه نجات: ۸۶۱۲۳۳۰۰) وکیل احمد متوکل وزیر خارجه طالبان هم از حمد بن خلیفه آل ثانی امیر قطر و رئیس وقت سازمان کنفرانس اسلامی خواهان پاسخ مثبت سازمان کنفرانس اسلامی به مطالبات طالبان مبنی بر رسمیت شناختن دولت طالبان، موافقت بر اعطای کرسی افغانستان در سازمان به طالبان و نیز باز شدن دفتر نمایندگی سازمان در کابل بود. (متوکل: ۱۳۵۲) در اجلاس ویژه سران اسلامی در ژوئن ۱۹۹۷، هیأتی از گروه طالبان به کمک پاکستان شرکت کرد و پاکستان سعی کرد آنان را به عنوان نماینده افغانستان مطرح کند. (فوزی تویسرکانی، ۱۳۷۷: ۹۰)

سقوط هرات، قدرت نظامی طالبان را بالا برد. طالبان از وسایل و امکانات نظامی هرات در حملات بعدی خود برای تصرف ولایات شرقی و پایتخت استفاده کردند. این سقوط موجب خشم رهبران دولت در کابل شد. مقامات دولت مجاهدین و مطبوعات در کابل، موجی از انتقاد و اعتراض خود را متوجه پاکستان ساختند. احمدشاه مسعود بیشتر از همه در برابر پاکستان خشمگین و معترض بود. عبدالرحیم غفورزی معین سیاسی وزارت خارجه افغانستان در اجلاس وزرای خارجه گروه تماس سازمان کنفرانس اسلامی در قضیه افغانستان، پاکستان را متهم به دخالت نظامی در جنگ هرات کرد. در کابل، میان مردم، احساسات ضد پاکستانی به وجود آمد که در نتیجه، تعداد کثیری از مردم در هفتم سپتامبر ۱۹۹۵ میلادی به تظاهرات علیه پاکستان دست زدند و در جریان تظاهرات، سفارت پاکستان را به آتش کشیدند. (اندیشمند: ۲۸۲)

چنین به نظر می‌رسید که طالبان قبل از ورود به کابل به بعضی از کشورها و سازمان ملل متحد اطمینان داده بودند که خود قصد تشکیل حکومت را ندارند، بلکه اجازه می‌دهند در آن‌جا، حکومتی با مشارکت همگان تشکیل گردد. مولوی احسان‌الله احسان، رئیس بانک مرکزی طالبان که در هنگام حمله اول به مزار شریف کشته شد، ملاقات‌های زیادی در این رابطه با طرفدارن شاه سابق داشت اما سرانجام، طالبان چنین تعهد مهمی را نقض کردند. بدون شک در این کار، تشویق و اطمینان پاکستان نقش اساسی داشت. مانند تحمیل هر تصمیم

مهمی از طرف آی. اس. آی<sup>۱</sup>، هیأتی از علمای پاکستان که به عنوان استاد مورد احترام طالبان بودند، قبلاً با ملا عمر در قندهار ملاقات کرده و وی را به تأسیس حکومت اسلامی تشویق نمودند. حربه‌ای که بعدها نیز آی. اس. آی در مقاطع مهم، سعی در استفاده از آن نمود. ملا محمد غوث اولین وزیر امور خارجه طالبان اندکی بعد از رسیدن طالبان به کابل در ملاقات با معاون سازمان کنفرانس اسلامی وقتی مسأله نقض تعهدهای قبلی به‌وسیله طالبان مطرح شد گفت: «ما چگونه می‌توانستیم حکومت را به دیگران بسپاریم درحالی‌که از زمان آغاز حرکت طالبان تا فتح کابل، چهار هزار طالب به شهادت رسیده‌اند». (اندیشمند: ۲۸۲) دولت پاکستان علاوه بر کمک‌های نظامی در عرصه سیاسی و دیپلماتیک هم از مساعدت با طالبان دریغ نکرد. شناسایی زود هنگام طالبان پس از فتح مزار شریف در ۲۵ می ۱۹۹۷ میلادی و تلاش دیپلماتیک برای گرفتن کرسی افغانستان در سازمان ملل و سازمان کنفرانس اسلامی از دست نماینده دولت ربانی و دادن آن به نماینده طالبان نمونه‌هایی از این تلاش‌ها بود که سرانجام به نتیجه رسید. (غلامی: ۶۲۷۹)

پس از پایان یافتن دوران سیاه حکومت طالبان و حضور همه جانبه جامعه جهانی در افغانستان، سازمان کنفرانس اسلامی بی‌اراده‌تر و بی‌توجه‌تر از گذشته، با مسائل افغانستان مواجه شد و اوضاع در این کشور جنگ‌زده چندان اهمیتی برای آن نداشت. روند برخورد سازمان کنفرانس اسلامی نسبت به مسائل افغانستان به‌گونه‌ای بود که گویی افغانستان، جزئی از کشورهای اسلامی نبوده و هیچ رگ و ریشه‌ای با این سازمان و اعضای آن ندارد؛ اما افغانستان به دلیل موقعیت استراتژیک و حساسی که در منطقه دارد و پلی مهم میان بخش‌های مختلف آسیا به خصوص کشورهای اسلامی به شمار می‌رود، از اهمیت ویژه و منحصربه‌فردی در منطقه برخوردار است و سازمان کنفرانس اسلامی نخواستار یا نتوانسته از این ویژگی به نفع کشورهای اسلامی و حل مشکلات آن استفاده کند این در حالی است که افغانستان امروز برخلاف سازمان کنفرانس اسلامی

۱. سازمان استخبارات ارتش پاکستان.

و اعضای آن، محور توجه دیگر اعضای جامعه جهانی است و این کشورها در حال استفاده از فرصت و زمینه مناسبی هستند که موقعیت این کشور به وجود آورده، اما کم‌تر تلاشی برای استفاده از این موقعیت به نفع کشورهای اسلامی صورت گرفته است. به هر حال، با توجه به شرایطی که پیش آمده و به دلیل جبران ناکارآمدی‌های مداوم سازمان کنفرانس اسلامی و تغییراتی که در منشور این سازمان به وجود آمده، این انتظار وجود دارد که این تغییرات بتواند با دیدی همه‌جانبه و با توجه به آینده، نقش فعالی در راستای حل مشکلات جهان اسلام به خصوص افغانستان در سازمان همکاری اسلامی پدید آورد. (روزنامه راه نجات: ۸۶۱۲۲۳۰۰)

### سازمان همکاری اسلامی در دوره حاکمیت کرزای

در دوره کرزای، سازمان به شکل فعال‌تری در موضوع افغانستان به نقش‌آفرینی پرداخت که به بخشی از آن اشاره می‌شود:

#### ۱. بازگشایی دفتر سیاسی سازمان کنفرانس اسلامی در کابل

وزارت امور خارجه یکشنبه ۸۹/۱۰/۱۲ در بیانیه‌ای بازگشایی دفتر سیاسی خود را در کابل اعلام کرد. در بیانیه وزارت امور خارجه افغانستان آمده است: در این ارتباط روز یکشنبه دیداری میان زلمی رسول وزیر امور خارجه افغانستان و منیر عثمان نماینده ویژه سرمنشی کنفرانس کشورهای اسلامی در مقر این وزارت‌خانه صورت گرفت. در این دیدار، رسول از تصمیم سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی در بازگشایی دفتر سیاسی آن نهاد در کابل استقبال کرد و مذاکراتی در مورد برنامه‌های حکومت برای بازگشت مجدد مخالفین به زندگی اجتماعی میان طرفین صورت گرفت. منیر عثمان نیز در این دیدار از برنامه‌های صلح دولت افغانستان حمایت کرد و از برگزاری نشست فوق‌العاده‌ای در ماه مارس ۲۰۱۱ میلادی در مورد این کشور خبر داد.

#### ۲. افغانستان یکی از مسائل مهم مورد بحث سازمان

امروزه بیداری اسلامی در میان مسلمانان، رشدی فزاینده را تجربه می‌کند اما به موازات بازیابی هویت اسلامی، توطئه‌ها و ترفندها علیه امت اسلامی نیز،

افزایش می‌یابد. بیشتر این توطئه‌ها و معضلات، ریشه در خصومت دنیای غرب با مسلمانان دارد. بحران‌های عراق، افغانستان، فلسطین، پاکستان و هم‌چنین اهانت‌های مکرر به مقدسات اسلامی، از این نوع مشکلات جهان اسلام است. اگرچه برای حل معضلات جهان اسلام، تلاش‌هایی صورت گرفته، اما به نظر می‌رسد برای این کار، به نهادی قدرتمند و منسجم نیاز است. در میان گروه‌ها و سازمان‌هایی که در دنیای اسلام وجود دارد، سازمان کنفرانس اسلامی که شامل ۵۷ کشور اسلامی و جمعیتی بالغ بر ۱/۵ میلیارد است، می‌تواند نقش مؤثری در برطرف کردن معضلات امت اسلامی داشته باشد. لذا، در کنار موضوع اصلی فلسطین، از دیگر بحران‌های منطقه‌ای دنیای اسلام که مورد بحث و بررسی اجلاس وزیران خارجه سازمان کنفرانس اسلامی قرار گرفت، اوضاع افغانستان بود. سازمان بر این باور است، قضیه افغانستان، راه حل نظامی ندارد و برقراری صلح در افغانستان، خواسته کشورهای اسلامی است. علیرغم تصمیمات و مواضع مناسب وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در کنفرانس تاجیکستان، این نهاد بزرگ هنوز از فقدان تضمین‌های اجرایی مؤثر برای عمل به توافقات خود رنج می‌برد. سازمان کنفرانس اسلامی برای تاثیرگذاری بیشتر، نیاز به اراده جمعی، هماهنگی افزون‌تر اعضا و تضمین‌های بیشتر برای اجرای قطعنامه‌های خود دارد. (راديو دري: ۱۳۸۹)

### ۳. شکل‌گیری نهادهای داخلی جویای همکاری با سازمان کنفرانس اسلامی در افغانستان

در کشورهای دموکراتیک و توسعه یافته، مردم از طریق فعالیت‌های داوطلبانه در انجمن‌ها و مؤسسات غیردولتی به جامعه که در آن زندگی می‌کنند خدمات مورد نیاز و ارزنده را ارائه می‌کنند؛ آن‌ها منتظر دولت نمی‌شوند تا برای جامعه تمام خدمات را ارائه دهد، بلکه فعالانه در امور خدماتی شرکت می‌کنند تا جامعه‌شان زودتر به رشد و تعالی بیشتر برسد و خدمات مورد نیاز جامعه‌شان تأمین گردد. اکنون در افغانستان با همکاری جامعه بین‌المللی، فضای جدیدی فراهم رقم خورده و مباحثی چون دموکراسی، امنیت و مشارکت ملی مطرح است لذا فرصتی پیش آمده تا فعالین امور فرهنگی و اجتماعی برای خدمت به کشور

بنا بر علایق و نظرشان، گرد هم آیند و از طریق تشکیلات خویش، فعالیت نمایند. یکی از این مؤسسات سامان یافته کانون توسعه و تعاون افغانستان است که توسط اشخاص تحصیل کرده تأسیس شده و در امور فرهنگی و اجتماعی فعالیت‌های چشم‌گیر و قابل توجه داشته است. اهداف اساسی کانون توسعه و تعاون افغانستان عبارت‌اند از:

- فعالیت در امور حقوق بشر، صلح، دموکراسی، آزادی، وحدت ملی، رشد و تعالی افغانستان؛

- فعالیت در امور بازسازی، حفظ محیط زیست و رشد و تعالی افغانستان؛

- مبارزه با مواد مخدر و بزه‌کاری‌ها اجتماعی و فساد از طریق فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی؛

- مبارزه با تبعیضات نژادی، جنسی، مذهبی، لسانی و تلاش برای همبستگی ملی و عدالت اجتماعی؛

- مبارزه با جنگ، جهل، فقر، امراض، تروریسم، خشونت‌های اجتماعی و فرهنگی از طریق فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سمینارهای ملی و بین‌المللی؛

- کمک به مهاجرین افغانی و همکاری با کشورهای میزبان برای حل مشکلات مهاجرین؛

- حمایت از زنان، کودکان، اقلیت‌های قومی و مذهبی، روشنفکران و زندانیان سیاسی؛

- همکاری با سایر مؤسسات مشابه در سطح ملی و بین‌المللی؛

- همکاری با مؤسسات سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، سازمان کنفرانس اسلامی و دیگر مؤسسات برای کمک به افغانستان. (ویژه نامه کانون توسعه و تعاون افغانستان، ۱۳۸۴: ۶)

#### ۴. شورای عالی صلح و سازمان همکاری‌های اسلامی

این شورا به مثابه مظهر اراده مردم افغانستان در راستای اعاده صلح در کشور، بنابر سفارش‌های جرگه ملی مشورتی صلح و به تأسی از فرمان مقام عالی ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۹ شمسی ایجاد گردید. شورای عالی صلح

طی این مدت توانسته برای اعاده صلح و ثبات در کشور، با در نظر داشت فضای سیاسی افغانستان و منطقه، تحرک فراوانی را در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به وجود آورد. جامعه جهانی به شمول سازمان ملل متحد، سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی و اتحادیه اروپا از تلاش‌های صلح این شورا حمایت خویش را اعلام نمودند که در مقابل شورای عالی صلح نیز حمایت آن‌ها از پروسه صلح در روشنایی تعهدات کنفرانس لندن و کابل را استقبال نموده و بر آن ارج گذاشت. هیأت اجرائی شورای عالی صلح در هجدهمین مجلس برگزاری کنفرانس اسلامی در مکه مکرمه جهت جلب حمایت علمای اسلام از پروسه صلح تصویب نمود که این کنفرانس به رهبری سازمان کنفرانس اسلامی دایر گردد. بنا بر دعوت سازمان کنفرانس اسلامی، هیأت عالی‌رتبه شورای عالی صلح عازم عربستان گردید و در نشست گروه تماس بین‌المللی پیرامون پروسه صلح در افغانستان مذاکره صورت گرفت. در این نشست علاوه بر ۴۷ نفر از نمایندگان کشورهای جهان، نمایندگان خاص امریکا و آلمان برای افغانستان نیز حضور داشتند. در نشست گروه تماس بین‌المللی، شورای عالی صلح پیشنهاد نمود که کنفرانس اسلامی علمای جهان اسلام برای تبادل نظر پیرامون پروسه صلح در افغانستان به رهبری سازمان کنفرانس اسلامی در مکه مکرمه برگزار گردد. این پیشنهاد هیأت شورای عالی صلح از طرف سازمان کنفرانس اسلامی مورد استقبال گرفت. (دارالانشای شورای عالی صلح، ۱۳۹۰: ۳ - ۶)

##### ۵. راهبرد سازمان همکاری‌های اسلامی در برابر خشونت و جنگ

در برابر خشونت و وحشت‌افکنی طالبان از طریق عملیات ترور و انتحار، در داخل واکنش‌هایی را به وجود آورد، از جمله ساکنان پایتخت، خواهان صدور فتوای عالمان دینی علیه جنگ و خشونت شدند آنان از عالمان دینی و سازمان کنفرانس اسلامی خواستند تا در برابر خشونت‌های جاری در افغانستان و ریختن خون افراد بی‌گناه سکوت اختیار نکنند. در میان ده‌ها مورد صدای آتش و انفجار که همه‌روزه نقاط مختلف افغانستان را دچار وحشت و واهمه می‌کند، در گوشه‌های از این کشور صدای بیزاری از جنگ و حمایت از صلح نیز بلند است. وقتی جمعی از شهروندان ولایت هرات با حمل شعارهای «جنگ بس است»

فریاد بیزاری از جنگ را سر داده و خستگی و انزجار خویشتن را از جنگ بدفرجام و نامیمون جاری در کشور بلند نمودند، این صدا در هرات محصور نماند و تا کابل، بامیان و نگرهار نیز دنبال شد و صدها افغان صلح طلب را به صورت مسالمت آمیزی به خیابان‌ها کشاند. آنان با شعارهای آشتی جویانه و مستند به دستوره‌های اسلامی از تمامی طرف‌های درگیر در افغانستان خواستند تا به آدم‌کشی بیش از این خاتمه دهند.

با این وصف، روند نامیمون آتش‌آفرینی در افغانستان متوقف نشد، بلکه چه‌بسا موارد خون‌ریزی‌ها شدت گرفت به گونه‌ای که در تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱۵ خونین‌ترین انفجار انتحاری در ولایت فراه رقم خورد و نزدیک به صد نفر را به کام مرگ برد. نظامیان صلح‌آفرین (آیساف) نیز در این روند شرکت کرده و به قیمت کشتن چند مخالف مسلح، مادران یازده کودک معصوم را در کنر به سوگ عزیزانشان نشانند. در گوشه دیگر کشور (شاهراه غزنی - کابل) بیش از سی مسافر بی‌گناه که سوار یک ماشین مسافربری بودند، توسط مین کنار جاده قربانی شدند. با این وجود، صداهای صلح‌طلبانه خاموش نشد. چندی پس از آن به تاریخ ۱۸ فروردین سال ۱۳۹۲ سومین نشست کنفرانس همکاری‌های اسلامی برای آینده صلح‌آمیز افغانستان در هتل انترکانتیننتال کابل برگزار شد و در آن، بر اجرای مواد قطع‌نامه نشست استانبول تأکید گردید.

در این کنفرانس، محمد یوسف نیازی، وزیر حج و اوقاف، تصریح نمود که تمام اتباع افغانستان برای آوردن صلح تلاش کنند و به فکر ایجاد تغییرات بنیادی در کشور باشند. وی خاطر نشان ساخت که دیگر برای علما سکوت جایز نبوده، ولی این به آن معنا نیست که علما تفنگ بر دوش گیرند و آماده جنگ شوند؛ بلکه از هر تریبونی و منبری که در اختیار دارند، استفاده نموده و هر دو طرف منازعه را به صلح دعوت کنند. وزیر حج و اوقاف تأکید کرد که صلح با یک یا چند نفر برقرار نمی‌شود و باید همه مردم افغانستان برای تأمین آن تلاش نمایند. با این حال، پرسش این است که آیا این راهبردهای صلح‌طلبانه با تأسی از دستوره‌های اسلامی خواهد توانست ذهنیت کسانی را که مشتاق خون‌ریزی هستند، تغییر دهد؟ کارشناسان مسائل سیاسی و آگاهان

امور دینی بر این باورند که هرگاه راهبردهای صلح‌جویانه با حمایت‌های معنوی علمای جهان اسلام سطح وسیع‌تری به خود گرفته و از سوی تمامی کشورهای اسلامی و عالمان دینی حمایت شود، قطعاً در تغییر افکار کسانی که توسط مخالفان مسلح اغفال شده و به انفجار و انتحار دست می‌زدند، تأثیرگذار خواهد بود.

در همین حال، پروفیسور نعمت‌الله نجومی، عضو هیأت مشورتی این کنفرانس، این راهکار را یک ابتکار مردمی و مدنی می‌داند که توسط پانزده نهاد افغانی آغاز شده و اکنون در میان بخش بزرگی از جهان اسلام طرفداران زیادی پیدا نموده است. به گفته وی، این راهبرد هم‌اکنون از سوی عالمان زیاد دینی در کشورهای اردن، سوریه، مصر، عراق، جمهوری اسلامی ایران، پاکستان، تاجیکستان و... مورد حمایت قرار گرفته است. نجومی این راهبرد را تلاشی برای راه‌اندازی روند مستمری می‌داند که کم‌کم به یک صلح افغانستان را به یک گفتمان اسلامی در سطح جهان اسلام مبدل خواهد ساخت. وی با تأکید به تأثیرگذاری این کنفرانس و دستاوردهای مثبت آن تصریح می‌کند: اینکه صلح در افغانستان و ضرورت قطع جنگ به عنوان یک گفتمان در سطح جهان اسلام مبدل گردد، دستاورد بزرگی کسب خواهد شد. اجماع علما پیرامون این قضیه و تأیید این مسأله که افغانستان دارالاسلام بوده و محل منازعه و جنگ با کفر یا دارالحرب نیست، معضل بزرگی را حل خواهد کرد و جلوی تحریک عوامل زیادی برای شورش‌گری در افغانستان را خواهد گرفت. نقطه قابل توجه این است که در این کنفرانس سخن و نظری برعلیه حکومت‌ها یا مخالفان مسلح گفته نشد، بلکه صرفاً نظریات عالمان دینی و دیدگاه آنان بیان گردید. با این حال امیدواری بر این است که آیا راهبرد اسلامی صلح در افغانستان نتیجه ثبات‌آفرین داشته و منجر به صلح پایدار خواهد شد یا خیر، امری است که آینده به آن پاسخ خواهد داد. البته هرگاه این روند اجماع کلی را در سطح جهان اسلام پدید بیاورد، شکی نیست که بازتاب آن در تغییر افکار عمومی و ذهنیت مخالفان صلح‌محبت مجسم خواهد شد. (گلکوهی: ۲۱۸۰۹)

از سال ۱۳۹۰ شمسی، برنامه‌ای با عنوان همکاری‌های بین‌المللی اسلامی

برای آینده صلح‌آمیز در افغانستان آغاز شده است. هدف این برنامه غیردولتی و غیرسیاسی ایجاد تفاهم اسلامی بین افغانستانی‌ها و علما و نهادهای مدنی مطرح بین‌المللی است. علمای زیادی از کشورهای مختلف جهان از جمله فلسطین، مصر، ایران، عراق، لبنان، اردن، اندونزی، هند، پاکستان، تاجیکستان و تعداد زیادی از علمای ۳۴ ولایت افغانستان در این پروژه شرکت داشتند. این برنامه که به ابتکار نهادهای جامعه مدنی افغانستان و دانشگاه کابل و سایر دانشگاه‌های افغانستان صورت گرفت، هدف برنامه وسیع اسلامی در رابطه با تفاهم اسلامی در افغانستان بود. (تفاهم اسلامی: ۵۰۹۵۵). در همین رابطه در ۳۰ دسامبر ۲۰۱۱ میلادی همایش با شکوه و بی‌سابقه با عنوان "همکاری‌های اسلام برای آینده صلح‌آمیز افغانستان" در شهر استانبول ترکیه برگزار گردید که در آن بیش از ۱۲۰ نفر از امامان، رهبران جامعه مدنی دانشمندان مشهور اسلامی و پژوهش‌گران از افغانستان و جهان شرکت کردند. دکتر اکمال‌الدین احسان اوغلو به نمایندگی از سازمان کنفرانس اسلامی خطاب به شرکت‌کنندگان از تعهد جدی این سازمان مبنی بر یک آینده صلح‌آمیز در افغانستان تأکید ورزید. گشایش این کنفرانس در حضور مقامات ارشد ترکیه، فرستاده خاص رییس‌جمهور ایالات متحده در سازمان همکاری‌های اسلامی، دیپلمات‌های ارشد کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، شامل نمایندگان ارشد از سفارت‌های عربستان سعودی، قطر، پاکستان، عراق، نیجریه، افغانستان و ترکیه صورت گرفت. علمای برجسته جهان اسلام که در این کنفرانس به ایراد سخنرانی پرداختند، عبارت بودند از شیخ‌الاسلام دکتر محمد طاهر قادری مفتی اعظم اردن، مفتی اعظم بوسنی، مفتی اعظم استانبول، دکتر اسامه العابد ریس دانشگاه الاظهر، شیخ و محمد هشام کعبانی، خالد اسد سید علی معاون علمای نهضت العلمای اندونیزی، شیخ امداد حسین پیرزاده و شمار دیگر از علما. هدف از راه‌اندازی این برنامه، فراهم آوری فرصت مناسب و موردنیاز جهت ایجاد سهولت برای همکاری‌های محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، همکاری‌ها و هم‌گرایی‌های اسلامی برای حمایت از صلح در افغانستان بود.

سومین کنفرانس بین‌المللی "همکاری اسلامی برای آینده صلح‌آمیز

افغانستان" که ۱۴ و ۱۵ اسفند ۱۳۹۱ در شهر استانبول برگزار گردیده بود با قطعنامه ۱۱ ماده‌ای به کار خود پایان داد. در این کنفرانس که بیش از ۶۰ نفر از علمای برجسته جهان اسلام و افغانستان شرکت کرده بودند، روی خشونت فعلی افغانستان و دریافت راه‌هایی برای تأمین صلح تأکید شد. (سومین کنفرانس بین‌المللی همکاری اسلامی: ۱۳۹۱)

### خلاصه قطعنامه سومین اجلاس استانبول

۱. افغانستان کشور اسلامی است نه دارالحرب؛
  ۲. علمای کشورهای اسلامی برای صلح در افغانستان بکوشند؛
  ۳. تمام جناح‌های درگیر، اختلافات خود را از طریق مذاکره حل کنند؛
  ۴. رهبران طالبان و دولت افغانستان، حقوق اساسی مردم را مورد احترام قرار دهند؛
  ۵. استفاده از نصوص شرعی برای توجیه حملات انتحاری غیرمشروع است؛
  ۶. حق آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها برای حل صلح‌آمیز مناقشات باید محترم شمرده شود؛
  ۷. حقوق زن حفظ شود و خشونت علیه زن محکوم است؛
  ۸. سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی برای تأمین صلح در افغانستان وارد عمل شود؛
  ۹. شورای عالی صلح، دامنه گفتگوهای صلح را در منطقه به ویژه در پاکستان وسعت دهد؛
  ۱۰. سران دو طرف، مصونیت پیام‌آوران صلح و علاقه‌مندان به صلح را حفظ کنند؛
  ۱۱. سازمان ملل متحد و سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی گروه کاری مشترکی را برای حمایت از روند صلح ایجاد کنند.
- علمای دینی افغانستان برای اولین بار به گونه جمعی با حمایت از قطعنامه سومین اجلاس استانبول، حملات انتحاری و خشونت در افغانستان را حرام دانستند. (علمای دینی کشور: ۲۱۷۴۷)

## نتیجه؛ تحلیلی بر رابطه سازمان همکاری‌های اسلامی در موضوع افغانستان

۱. سازمان کنفرانس اسلامی از همان آغاز تلاش کرده که خود را به عنوان یک نهاد منطقه‌ای پای‌بند به حفظ صلح جهانی و منشور ملل متحد تثبیت کند. لذا از سال ۱۹۷۵ میلادی همکاری سازمان ملل متحد و کنفرانس اسلامی گسترش پیدا کرد و از سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان ناظر برای شرکت در جلسات مجمع عمومی دعوت به عمل آورد. (مصفا، ۱۳۷۶: ۸۱۲ - ۸۱۳) توجه سازمان ملل متحد به سازمان کنفرانس اسلامی در راستای یاری گرفتن از سازمان‌های منطقه‌ای در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی پس از پایان جنگ سرد است، به همین منظور در سال ۱۹۹۲ میلادی پتروس گالی دبیر کل پیشین سازمان ملل متحد با توجه به مواد ۵۲ تا ۵۴ منشور ملل متحد از سازمان‌های منطقه‌ای درخواست کرد که فعالانه در امر برقراری صلح در جهان سازمان ملل متحد را یاری کنند. سازمان کنفرانس اسلامی، به عنوان یک نهاد منطقه‌ای از این امر استقبال کرد و همکاری‌هایی بین این دو نهاد پیرامون مسائل افغانستان، تاجیکستان، سومالی و بوسنی آغاز شد. البته سازمان کنفرانس اسلامی تلاش کرده در بحران‌های دیگری مانند جنگ ایران و عراق، اشغال کویت توسط عراق و اشغال افغانستان نیز نقش فعالی در پیش گیرد. اما از تمامی این موارد، سازمان کنفرانس اسلامی تنها توانسته در بحران بوسنی نقش پویا و سازنده‌ای ایفا کند (احمدی، ۱۳۷۶: ۷۲۰)

پس از خروج ارتش سرخ از افغانستان و درگیری داخلی گروه‌های مجاهد افغان، کنفرانس اسلامی در حد یک موضع‌گیری سیاسی، البته در اجلاس‌های مختلف، از جمله اجلاس هفتم سران در مراکش در سال ۱۹۹۴ میلادی نگرانی عمیق خود را از این درگیری‌ها اعلام و بر ضرورت ایجاد تفاهم سیاسی جدید میان طرف‌های درگیر تأکید کرد و از تلاش‌های دبیر کل سازمان ملل در این خصوص حمایت نمود. هم‌چنین از هرگونه تلاش مسالمت‌آمیز همسایگان در این باره حمایت نمود. (فوزی تویسرکانی، ۱۳۷۷: ۹۰)

۲. برخی معتقدند کشورهای عضو این نهاد (متشکل از ۵۷ کشور)، تأکید

دارند که در حل مشکلات و چالش‌های که امت اسلامی به گونه جنگ‌ها و به خاطر عقب‌ماندگی‌ها با آن روبه‌رو می‌شوند از جمله مقابله با امراض و فقر نقش مهمی ایفا می‌کنند و حتی باور دارند که در برقرار ساختن یک صلح پایدار در افغانستان یکی از مهم‌ترین اولویت‌های سازمان است. سازمان کنفرانس اسلامی همیشه تلاش خود را در حمایت از افغانستان حفظ نموده و در ابتکارها و تلاش‌های گوناگون منطقه‌ای و بین‌المللی برای مدت تقریباً سه دهه، دخیل بوده است. اشغال افغانستان توسط نیروهای شوروی، باعث تشکیل اولین جلسه فوق‌العاده سازمان کنفرانس اسلامی بین وزراء خارجه کشورهای عضو سازمان در جنوری ۱۹۸۰ گردید که فقط چند روز بعد از اشغال بود و آن گردهمایی منجر به تأسیس کمیته سازمان کنفرانس اسلامی برای افغانستان گردید که متعاقب آن سازمان، کوشش‌های خود را برای حل مشکلات که در نتیجه اشغال روس‌ها در افغانستان به وجود آمده بود، آغاز کرد. در طی این دوره، سازمان تعدادی موافقت‌نامه را در میان گروه‌های مجاهدین افغان به هدف پیش‌گیری از جنگ‌ها، میان گروه‌های مجاهدین وساطت نمودند و حتی پس از آن، گروه بین‌المللی تماس با افغانستان در اداره مرکزی سازمان کنفرانس اسلامی در جده پدید آمد. (متن سخنرانی دکتر اکمال الدین احسان اغلو در کنفرانس استانبول).

در کنار تلاش‌های بین‌المللی، این سازمان کنفرانس اسلامی در زمینه پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و بازسازی افغانستان همکاری نموده و در حال همکاری است و در این راه، یک ردیف بودجه اختصاصی به نام بودجه همکاری سازمان کنفرانس اسلامی برای مردم افغانستان ایجاد شده است. هدف این بودجه، فراهم نمودن تسهیلات بشردوستانه و هم‌چنان کمک و همکاری در بخش تعلیم، تربیت و صحت است. سازمان آب نوشیدنی را از طریق چاه‌هایی که توسط سازمان کنفرانس اسلامی حفر شده‌اند، فراهم نموده است. موازی با این فعالیت‌ها، سازمان کمک به افغان‌های مهاجر را ارائه نموده و هم‌چنان در سطح بین‌المللی جهت بازسازی و توسعه افغانستان تلاش می‌نماید. موجودیت دائمی دفتر این سازمان در کابل باعث می‌شود که سازمان با مردم و دولت

افغانستان به صورت گسترده در تماس بوده و با منابع منطقه‌ای و بین‌المللی که در افغانستان مستقرند همکاری بیشتر داشته باشد. سازمان متأسف و نگران است که معضلات در افغانستان همچنان باقی است و لذا امیدوار است همه کشورها، نهادها و اشخاص تأثیرگذار بر افغانستان با توسل به خردمندی و نیت نیک به آرزوهای مردم افغانستان احترام گذاشته و خصومت‌ها را از بین برده و یک صلح پایدار را از طریق مذاکره و گفتگو در این کشور مستقر نمایند و سازمان به عنوان میانجی آماده همکاری با جناح‌های زیربسط در پروسه ایجاد مصالحه و توسعه ملی است. (همان)

۳. سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان یک نهاد بین‌المللی اسلامی که دارای اعتباری جهانی است امروزه به عنوان بزرگ‌ترین جامعه کشورهای مسلمان در جهان قلمداد می‌شود. در زمانی که جهان اسلام آماج تهمت‌ها و افتراهایی همچون تروریسم قرار گرفت و غرب، برخی از کشورهای اسلامی را مورد حملات بی‌امان نظامی و فرهنگی قرار داد و کشورهای عراق و افغانستان در آتش کینه و عداوت جهان‌خواران آسیب دید، وجود نیرو یا سازمانی فراملی که هدف آن اتحاد امت اسلام باشد، ضروری می‌نماید. (سازمان کنفرانس اسلامی و آینده پیش‌رو، خبرگزاری فارس) در این شرایط، مواضع دیدگاه‌ها و استراتژی سازمان همکاری اسلامی در قالب اعلامیه‌ها و قطع‌نامه‌هایی بیان می‌شود که از نظر حقوقی هیچ‌گونه الزامی ندارند و فاقد ضمانت اجرایی هستند. مثلاً در بحران افغانستان، سازمان همکاری اسلامی تجاوز روس‌ها به افغانستان را محکوم کرد و خواهان کاهش روابط کشورهای اسلامی و به خصوص عربی با شوروی وقت شد، اما این درخواست هیچ‌گاه جنبه عملی پیدا نکرد. (رضانی بونش: ۴۸۶۲).

## کتابنامه

- احمدی، کوروش (۱۳۷۶). «سازمان کنفرانس اسلامی در شرایط جدید بین‌المللی»، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره سوم، پاییز.
- تحولات منطقه‌ای افغانستان (۱۳۷۸). به کوشش حسین احمدی، (سید محمد حسینی سنگلاخی، دلایل روی کار آمدن و سقوط مجاهدین در افغانستان، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، (مجموعه مقالات همایش).
- دانش بختیاری، محمد قاسم (۱۳۸۰). «عملکرد سازمان ملل در قبال بحران افغانستان»، مجله پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، شماره ۳ و ۴، تابستان، ۵۷ - ۶۶.
- سازمان کنفرانس اسلامی (۱۳۷۵). گردآوری فرزاد ممدوحی، تهران، وزارت امور خارجه (کتاب سبز)، چاپ دوم.
- فوزی توپسرکانی، یحیی (۱۳۷۷). سازمان کنفرانس اسلامی (ساختار، عملکرد و روابط آن با ایران)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مصفا، نسرین (۱۳۷۶). «سازمان کنفرانس اسلامی و همکاری با سازمان ملل متحد»، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره سوم، پاییز.
- نجفی، علی (۱۳۸۹). «تنوع قومی، فرهنگی و زبانی در افغانستان»، مجله پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۵، پاییز و زمستان، ۳۹ - ۸۰.
- <http://hamshahrionline.ir/details/140409>.
- بازگشایی دفتر سیاسی سازمان کنفرانس اسلامی در کابل، کد خبر: ۱۳۱۱۲، تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۱۰/۱۳.
- <http://www.payam-aftab.com/fa/news/13112>.
- سایت دانشگاه ام‌القری. <http://uqu.edu.sa/page/ar/176648>.
- محمداکرام اندیشمند، روابط افغانستان و پاکستان در دوره ریاست جمهوری محمد داود (فصل هفتم از کتاب ما و پاکستان)، پژوهش‌سرای تاریخ افغانستان.

۱۲۰ مطالعات تاریخی جهان اسلام شماره ۴ - سال دوم - پاییز و زمستان ۱۳۹۳

- پیام آفتاب حجت الاسلام اخلاقی، ۱۳۸۹/۱۲/۱۸.

- <http://payam-aftab.com/fa/news/13973>.

- روزنامه راه نجات، شماره ۸۲۰، ص ۲، سازمان کنفرانس اسلامی و نقش

فعال در افغانستان پنجشنبه ۲۳ حوت ۱۳۸۶.

- <http://www.rahenejatdaily.com/820/86122300.html>.

- متوکل یطالب باعتراف منظمه المؤتمر الإسلامی بحركة طالبان، ۲۰۰۱/۰۴/۹.

- <http://articles.islamweb.net/media/index.php?page=article&lang=A&id=1352>.

- طهمورث غلامی، ریشه‌یابی حوادث تروریستی سیستان و بلوچستان.

- <http://www.vahhabiyat.com/showdata.aspx?dataid=6279&siteid=1>.

- پایگاه خبری هریوا: سازمان همکاری‌های کشورهای اسلامی هرات را در

عرصه صحت کمک می‌کند، سه شنبه، ۲ عقرب ۱۳۹۱.

- <http://harivanews.net/?p=1328>.

- تذکری مختصر و دوستانه در اطراف یک سند تاریخی، ارگان نشراتی شورای

اروپایی حزب واحد.

- [http://www.watan-afg.com/new\\_page\\_581.htm](http://www.watan-afg.com/new_page_581.htm)

- متن سخنرانی دکتر اکمال الدین احسان اغلو در کنفرانس استانبول

همکاری‌های بین‌المللی اسلامی برای آینده صلح‌آمیز افغانستان.

- <http://fa.futurepeace.org>.

- [http://oldarchive.payamemojahed.com/index.php?option=com\\_content&task=view&id=2102&Itemid=18](http://oldarchive.payamemojahed.com/index.php?option=com_content&task=view&id=2102&Itemid=18).

- سازمان کنفرانس اسلامی و آینده پیش رو، خبرگزاری فارس، ۱۹/۰۲/۱۳۸۶.

- گروه بین‌الملل برهان / فرزاد رضانی بونش، بررسی چالش‌های

نقش‌آفرینی سازمان همکاری اسلامی.

- <http://borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=4862>.

- پیام آفتاب بازگشایی دفتر سیاسی سازمان کنفرانس اسلامی در کابل، کد

خبر: ۱۳۱۱۲، تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۱۰/۱۳

– <http://www.payam-aftab.com/fa/news/13112>.

– رییس‌جمهور در دیدار با نماینده کنفرانس اسلامی، کد خبر: ۲۰۶۳۹، تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۱/۱۷.

– <http://www.afghanpaper.com/nbody.php?id=20639>.

– رادیو دری، سه‌شنبه، ۰۴ جوزا ۱۳۸۹، سازمان کنفرانس اسلامی و معضلات جهان اسلام.

– <http://dari.irib.ir/political>.

– ویژه‌نامه کانون توسعه و تعاون افغانستان، بهار.

– [www.afghanistan.fi/pubfiles/Nashria\\_word.doc](http://www.afghanistan.fi/pubfiles/Nashria_word.doc).

– دارالانشای شورای عالی صلح، گزارش فعالیت‌های سه‌ماهه شورای عالی صلح مورخ ۲۸ ثور ۱۳۹۰.

– [WWW.HPC.ORG.AF](http://WWW.HPC.ORG.AF).

– پیام آفتاب محمدرضا گلکوهی، راهبردهای اسلامی برای صلح در افغانستان، کد خبر: ۱۸۰۹، تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۱/۲۲.

– <http://www.payam-aftab.com/fa/news/21809>.

– تفاهم اسلامی، هدف کنفرانس استانبول، کد خبر: ۵۰۹۵۵، تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۲/۵.

– <http://www.afghanpaper.com/nbody.php?id=50955>.

– پروگرام همکاری‌های اسلامی برای آینده صلح‌آمیز در افغانستان.

– <http://fa.futurepeace.org>.

– سومین کنفرانس بین‌المللی همکاری اسلامی برای آینده صلح‌آمیز افغانستان به کار خود پایان داد، تاریخ انتشار: پنجشنبه ۱۷ حوت ۱۳۹۱.

– <http://www.avapress.com/vdcdf09.yt0z96a22y.html>.

– پیام آفتاب علمای دینی کشور خواهان همکاری علمای کشورهای اسلامی

برای ایجاد صلح در افغانستان شدند، کد خبر: ۲۱۷۴۷، تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۱/۲۰.  
\_ <http://www.payam-aftab.com/fa/news/21747>.

### منابع مراجعه شده

- نجفی، علی (۱۳۸۹)، «تنوع قومی، فرهنگی و زبانی در افغانستان»، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۵، پاییز و زمستان، ۳۹ - ۸۰.  
\_ <http://hamshahrionline.ir/details/140409>.  
\_ [http://afghanistanhistory.net/home/index.php?option=com\\_content&task=view&id=245&Itemid=1](http://afghanistanhistory.net/home/index.php?option=com_content&task=view&id=245&Itemid=1).  
\_ <http://www.rahenejatdaily.com/86030210/581.html>.  
\_ [http://oldarchive.payamemojahed.com/index.php?option=com\\_content&task=view&id=2102&Itemid=18](http://oldarchive.payamemojahed.com/index.php?option=com_content&task=view&id=2102&Itemid=18).  
\_ <http://www.farsi.ru/doc/1847.html>.  
\_ <http://www.afghanpaper.com/info/saran20%yasi/dolat/dolat.htm>.